

سخن مدیر مسؤول

بسم الله الرحمن الرحيم

هر نعمتی، شکری در خور خود می‌طلبد. به میزان بزرگی و والایی نعمت، شکر آن عبادتی بزرگتر می‌شود، و ناسپاسی آن، گناهی سنگین‌تر. اگر این حقیقت را، در فضای کلام جواد الائمه علیهم‌السلام - که فرمود: «نعمه لا تُشکر کسیئة لا تُغفر» (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۶۵) - در نظر بگیریم، آنگاه می‌بینیم که کفران نعمت‌های بزرگ، چه پی آمدهای تلخ و ناگواری دارد، که برخی از آنها پایدار و ماندگار هم هستند. مثال بارز این اصل عقلی در زندگی روزمره ما، نسبت سود و زیان با سرمایه است: هر چه سرمایه بزرگتر باشد، سود آن سرشارتر است و زیان آن بیشتر. این است که برای نگاهداری و سودآوری سرمایه‌های بزرگ، برنامه ریزی جدی‌تر، ارزیابی دقیق‌تر، و آسیب شناسی ژرف‌تر ضرورت دارد.

ارزش سرمایه‌های معنوی با سرمایه‌های مادی قیاس نمی‌پذیرد. سود و زیان در آنها، مانند سرمایه‌های مادی، محسوس و ملموس نیست. در دراز مدّت به دست می‌آید، و آثار - مثبت یا منفی - آن پایدارتر از سود و زیان گذرای مادی است. طبعاً جبران زیان‌ها نیز به زمان درازتر، تدبیری ژرف‌تر، و راه حلی پخته‌تر نیاز دارد.

در میان سرمایه‌های معنوی که بشر در اختیار دارد، هیچ کدام به ارج و رتبه حکمت‌های الهی انبیاء صلوات الله علیهم نمی‌رسد. این کلمات نور، برگرفته از معدن وحی اند و خطا در آنها راه ندارد. و این برای بشر - که جاهل آن در معرض خطاهای



عادی است و عالم آن در معرض خطاهای بزرگتر - سرمایه‌ای بی‌مانند است. از این رو، خردمندترین اندیشمندان در درازای هزاره‌های تاریخ بشر، کسانی بوده‌اند که از خوان گسترده‌ی هدایت پیامبران، توشه‌ی حکمت برگرفته‌اند. با نگاهی - هر چند شتاب زده - به تاریخ اندیشه بشر، به این نکته می‌توان دست یافت.

در میان کلام پیامبران، هیچ کلامی به عظمت و ارج و ارزش کلمات خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیست. از آن رو که حضرتش، اول مخلوق بود، به تمام معانی اولیت، چه رتبی و چه زمانی.

آن سفیر خدا از تمام سفیران الهی برتر بود. از این رو، خدای حکیم، در میان تمام نعمت‌های بی‌شمار که به انسان‌ها داده، بعثت حضرتش را به رخ مردم می‌کشد: «لقد مَنَّ اللهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا» (آل عمران، ۱۶۴).

از سویی، دایره‌ی نبوت پیامبران پیشین محدود بود، در حالی که شعاع نبوت خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مرزهای مکان و زمان را می‌نوردد: در بُعد مکان، جهانی و در بُعد زمان، جاودانی است.

به این جهات و دلایل دیگر، سخنان حکمت‌آمیز خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مهم‌ترین سرمایه برای سعادت جاودانه بشر است و نوع برخورد با آن، سرنوشت انسان و آینده بشریت را رقم می‌زند.

کلام محکم خدای سبحان در قرآن مجید، از دو گروه انسانها در برخورد با آموزه‌های هدایت خیز رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خبر می‌دهد:

گروهی که آن را به گوش جان شنیدند، بر لوح دل نگاشتند و از ژرفای درون پیروی آن کردند، گرچه معدود و اندک شمار بودند، همچون سلمان و ابوذر و ...

در برابر اینان، گروهی دیگر که منافق بودند، با شیوه‌های منافقانه پیش آمدند: در دو اقدام همزمان، از نشر حدیث و تفسیر قرآن جلوگیری کردند، قصه خوانان را - که جز مطالب کتابهای آسمانی تحریف شده پیشین، چیزی نمی‌گفتند - به کار گماردند، دست

راویان دروغ پرداز همچون ابوهریره را باز گذاشتند، و ...

در نتیجه، سرچشمه زلال حکمت نبوی در جویبارهایی به راه افتاد، که با آلودگی‌ها همراه بود، به گونه‌ای که جداسازی میان آنها بسیار دشوار شد. این آب گل آلود به گونه‌ای جریان یافت که تا آخر عمر دنیا، ضلالت‌های ساخته دست آن منافقان در پوشش هدایت‌های نبوی به مردم عرضه می‌شود.

بررسی عملکرد این گونه افراد ناسپاس و این گونه ناسپاسی‌ها، ضرورتی است قطعی که برای شناخت اسلام صحیح، گریزی از آن نیست. امام امیرالمؤمنین علیه السلام در کلامی جاودانه فرمود:

واعلموا انکم لن تعرفوا الرشده حتی تعرفوا الذی ترکه، و لن تأخذوا بميثاق الكتاب حتی تعرفوا الذی نقضه، و لن تمسکوا به حتی تعرفوا الذی نبذہ (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷).

به همین منظور، بخش ویژه این شماره به بررسی علمی برخی دیدگاه‌ها اختصاص یافته است.

از خدای حکیم هادی، خاضعانه می‌خواهیم که سلوک راه انصاف را همواره نصب العین خود داشته باشیم، و باز شناخت این گونه برخوردها را مقدمه‌ای بر شکر نعمت والای هدایت الهی (نبوت و امامت) قرار دهیم. و الحمد لله رب العالمین.